

آمریکایی‌ها نه تنها
بابت تضمین امنیت
خلیج فارس دیگر
نگرانی ندارند، بلکه
اگر ناامنی از حدود
و کنترل خارج
شود، از آن استقبال
می‌کنند. این تغییر
رویکرد در دستگاه
تصمیم‌گیری ایالات
متحده را می‌توان
به بهترین شکل در
الگوی مواجههٔ این
کشور با ناآرامی‌های
اجتماعی و سیاسی
در داخل ایران (از
حوادث سال‌های ۱۳۸۸
و ۱۳۸۹ تا نمونه‌های
کم‌وبیش مشابه پس
از آن و تا همین امروز)
مشاهده کرد.

موسوم به BRI شمالی یا دالان شمالی است. البته پس از جنگ اوکراین، امنیت این مسیر، که از سرزمین‌های روسیه می‌گذرد، به شدت به مخاطره افتاده است. مسیر دیگری که عملیاتی شدن آن هم اکنون روی میز چین است، «محور لاجورد» است. مسیری که ترک‌ها می‌کوشند با استفاده از تکثیر توان کارخانه خودشان در طول پهنهٔ جمعیتی تورانی، از ترکیه تا مغولستان، آن را تقویت کنند. ایالات متحده آمریکا نیز اگر به پذیرش یک انتخاب در میان محوره‌های مختلف راه ابریشم نوین ناچار باشد، به عملیاتی شدن محور لاجورد تمایل دارد؛ چراکه می‌تواند این مسیر را با ترینال‌های مختلفی که در سراسر آن دارد، زیر نظر بگیرد. دالان دیگری که آمریکایی‌ها با فروختن آن به چینی‌ها و بازی دادن چین در آن مشکلی ندارند، «محور رمد» است، مسیری که برای اتصال هند به اروپا در نظر گرفته شده است. البته چین نیز در این مسیر به ایفای نقش پرداخته است؛ چه آنکه بخش مهمی از خط آهن در داخل سرزمین‌های اشغالی (رژیم صهیونیستی) را، که تکمیل‌کنندهٔ این مسیر است، چینی‌ها انجام می‌دهند، اما کارویژهٔ نهایی این مسیر، تقویت جایگاه هند برای مهار چین است و بدون شک به فرض عملیاتی شدن، در زمان مناسب، از آن به عنوان «اهرم مهار چین» استفاده خواهد شد. جز هند، امارات متحدهٔ عربی، عربستان سعودی (عربستان پسانوم)،^۲ اردن، رژیم صهیونیستی و یونان نیز در این مسیر قرار می‌گیرند.

در چنین وضعیتی عملاً تنها مسیری از پروژهٔ BRI که تحت هژمونی امنیتی آمریکا قرار ندارد یا به علت وقوع جنگ مسدود و ناامن نشده، مسیری است که از افغانستان آغاز می‌شود و به ایران می‌رسد و عراق و سوریه و لبنان (کشورهای محور مقاومت) را نیز در درون خود جای می‌دهد؛ از همین روست که تفاهم همهٔ محوره‌های شمالی و جنوبی در کنار آمریکایی‌ها بر این قرار گرفته است که مانع از عملیاتی شدن این مسیر شوند و آن را ویران کنند. ترکیبی از ایجاد ناامنی‌های پی‌درپی و از هم‌گسیختگی‌های متنوع در طول این مسیر، علاوه بر ایجاد نقاط گسست در طول آن (نظیر حضور آمریکایی‌ها در شرق فرات) نقشهٔ مهمی است که در قالب سناریوی نابودی و خارج کردن اولویت این مسیر از روی میز ابتکار راه ابریشم نوین دنبال می‌شود. از جمله ملزومات تحقق این سناریو آن است که در همسایگی سیپیک هرگز نباید یک ایران قدرتمند وجود داشته باشد. البته این را نیز می‌توان مسلم انگاشت که کشورهای طول این مسیر و میدان، از دام تحریم‌های آمریکا هرگز رهایی نخواهند داشت، مگر آنکه با یکدیگر متحد باشند یا بتوانند این را نشان بدهند که با وجود تحریم‌های ایالات متحده و هم‌پیمانانش می‌توانند مؤتلف و قدرتمند بمانند؛ به دیگر سخن، تا زمانی که فشار بر ایران، در چهارچوب فشار بر چین باشد، تحریم‌ها همیشه علیه ما باقی خواهند ماند.